خراسان روزنامه صبح ایران
سه‌شنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۴ . ۲۱ جمادی‌الاول ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۲۰۶

احداث ۱۲ کمپ گردشگری در نوار ساحلی جزیره قشم

معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری سازمان منطقه آزاد قشم گفت: با دستور ویژه رئیس جمهور، ۱۲ کمپ گردشگری، تا پایان اسفندماه امسال، در نوار ساحلی قشم به بهره برداری می‌رسد. به گزارش ایرنا، مسعود کرباسچی افزود: با بهره برداری از این کمپ‌ها، گردشگران نوروزی می‌توانند از خدمات ویژه این مناطق بهره‌مند شوند و با آرامش بیشتری از سفر خود در جزیره، لذت ببرند.

کهنسالان کار در کنار کودکان کار

موضوع «کودکان کار» سال‌هاست که یکی از معضلات شناخته‌شده پایتخت است. کودکان کم‌سن‌وسالی که به جای کودکی کردن و رفتن به مدرسه، پشت چراغ‌های قرمز و سر چهارراه‌ها یا در کارگاه‌های زیرپله‌ای و آجرپزی‌ها، کار می‌کنند. اما در کنار این معضل، معضلی کمتر دیده‌شده هم در تهران وجود دارد که تاکنون به آن پرداخته نشده است؛ معضلی به نام «کهنسالان کار»؛ کهنسالانی که به جای استراحت در دوران بازنشستگی و پیری، مجبور شده‌اند برای گذران زندگی و تأمین هزینه‌های زندگی، مثل سال‌های نوجوانی و جوانی‌شان کار کنند. افراد مسنی که پشت بیشتر چراغ قرمزها و چهارراه‌ها و پیاده‌روهای شهر، در حال دستفروشی هستند؛ درست مثل کودکان کار، گل و عروسک و فال می‌فروشند یا گدایی می‌کنند.

در یک شرایط ایده‌آل و آرمانی، آدم‌ها دوران بازنشستگی و پیری را باید در خانه بگذرانند. باید با اندوخته سی‌واندی سال کار، زندگی راحتی داشته باشند، مسافرت بروند و دور سفره بازشان نوه‌ها و فرزندانشان بنشینند و دوران خوش بازنشستگی را با آنها سپری کنند. دوران بازنشستگی، در حقیقت دوران آسایش است. دورانی که به آدم‌ها فرصت می‌دهد تا از روزهای باقی‌مانده زندگی‌شان لذت ببرند، در فعالیت‌های اجتماعی سهیم شوند، به کارهایی برسند که هیچ‌وقت فرصت انجام‌دادنش را نداشته‌اند، آرزوهای دست‌نیافته‌شان را محقق کنند و از زندگی لذت ببرند. دورانی که آدم‌هایی که بیشترشان از نوجوانی و جوانی کار کرده‌اند، این فرصت را داشته باشند تا دید دیگری نسبت به زندگی پیدا کنند، در پارک‌های نزدیک محل سکونتشان روزنامه بخوانند و به همراه شریک زندگی‌شان، به گلدان‌های کوچک آپارتمانی‌شان رسیدگی کنند یا برای ادامه زندگی به شهرهای کوچک‌تر مهاجرت کنند. اما این تصویر، چقدر برای ذهن ما آشناست؟ چقدر از بازنشستگان را می‌شناسیم که این شیوه زندگی را برگزیده‌اند و از بازنشستگی‌شان لذت می‌برند؟

■ دلهره در ایستگاه آخر

بسیاری از مواقع، رسیدن به سن بازنشستگی برای افراد دلهره‌آور می‌شود. سنی که حقوق و مزایای آنها کاهش پیدا می‌کند و آنها مجبورند برای گذران زندگی، به کار دیگری روی بیاورند. بخش عمده‌ای از رانندگان تاکسی سرویس‌های محلی را همین پدربزرگانی تشکیل می‌دهند که در کهنسالی نیز فرصت فراغت نخواهند داشت؛ آنهایی که در ۶۰ سالگی باید خرج از دواج فرزندانشان را مهیا کنند؛ آنهایی که درست است بازنشسته شده‌اند، اما در مخارج‌شان تغییری رخ نداده است و حقوق بازنشستگی کفاف اجاره خانه، هزینه‌های درمان و مخارج تحصیل و زندگی فرزندانشان را نمی‌دهد و شاید همین می‌شود که در کنار پدیده کودکان کار، که جزو معضلات اصلی شهری محسوب می‌شود، کار کهنسالان هم در شهرهای بزرگ و کوچک رواج پیدا کرده است. در چهارراه‌های کلان‌شهرها، در کنار هر کودک کار گل‌فروش، می‌شود پیرزن یا پیرمردی را دید که کوله‌های پر از فال و دستمال کاغذی را روی پشتش می‌کشد و به رانندگان کلافه از ترافیک، التماس می‌کند که یکی از اجناسش را خریداری کند. بخش زیادی از دستفروشان شهر را هم، همین کهنسالان تشکیل می‌دهند. آنهایی که باید استراحت کنند، اما فرصتی برای این کار ندارند و حتی بیشتر از دوران کار و فعالیت جوانی‌شان می‌دوند تا شاید باری از دوش خود و خانواده‌شان بردارند. مطابق قانون بازنشستگی، در ایران اگر سن مرد به ۶۰ سال تمام و سن زن به ۵۵ سال تمام رسیده باشد، این سن، سن مطلوب بازنشستگی است. اما پس از صحبت کردن با دستفروشان و افرادی که به شغل‌های دوم روی آورده‌اند، می‌توان این نکته مهم را دریافت که بسیاری از بازنشستگان کشور، پس از این سن، باز هم کار می‌کنند.

■ هزینه‌هایی که کمر شکن است

محسن ایزدخواه، فعال کارگری و عضو هیئت‌مدیره صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر، در پاسخ به این سوال که دلیل اینکه در کشور ما بازنشستگان پس از رسیدن به سن بازنشستگی، باز هم به دنبال کار می‌روند چیست؟ گفت: «دو دلیل عمده برای اشتغال مجدد بازنشستگان و کهنسالان وجود دارد. این مسئله یک دلیل عمومی دارد و آن این است که در حدفاصل سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ به طرز بی‌سابقه‌ای با پدیده فروپاشی نسبی طبقه متوسط درآمدی و همچنین گسترش بی‌سابقه فقر روبه‌رو بودیم. برآوردهای رسمی نشان می‌دهد خط فقر در غیر تهران، بالغ بر یک‌ونیم میلیون تومان و در تهران، بالای دو میلیون تومان است. بنا بر اقرار مدیران صندوق‌های بازنشستگی، بیش از ۷۵ تا ۸۰ درصد مستمری‌بگیران زیر یک میلیون تومان دریافت می‌کنند و به عبارتی، آنها برای تأمین هزینه‌های زندگی خودشان و رسیدن به خط فقر که خطی حداقلی است، با پدیده کار مجدد روبه‌رو می‌شوند». وی افزود: «دلیل دیگر این است که در حالی که هزینه‌های زندگی به شدت افزایش پیدا کرده است، در طول چهار دهه گذشته، ما همواره با تورم دورقمی روبه‌رو بوده‌ایم و حقوق‌بگیران ثابت و بازنشسته، عملا با بحران جدی در تنظیم بودجه خانوار روبه‌رو هستند. به لحاظ فرهنگی و اجتماعی، افراد بازنشسته به‌طور نسبی در مقایسه با حقوق‌بگیران، فشار هزینه‌های زندگی را بیشتر تحمل می‌کنند؛ این مسئله ناشی از دو مسئله است: یکی ساختار فرهنگی و اجتماعی است که معمولا بخشی از هزینه‌های فرزندان، حتی آنهایی که ازدواج کرده‌اند، همچنان بر دوش خانوار سنگینی می‌کند. مسئله دوم هم، هزینه‌های درمان کهنسالان است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اثرگذاری نرخ تورم در حوزه بهداشت و درمان، دوونیم برابر بیشتر از نرخ تورم اعلامی است. یعنی اگر ما تورم ۲۰ درصدی داریم، آثارش در حوزه بهداشت و درمان بیش از ۵۰ درصد خواهد بود». ایزدخواه تأکید کرد: «نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، این است که در طول همین دوره ۲۰ ساله، در حالی که سطح عمومی قیمت‌ها سه‌ونیم برابر شده، شاخص هزینه سلامت ۷۱ برابر شده است. همچنین اگر ابعاد دیگری از تورم را نگاه کنیم، می‌بینیم در همین دوره شاخص هزینه‌های تفریح و تحصیل ۵۴ برابر شده است. به عبارت دیگر، با توجه به هیجان و جَوی که سال‌هاست در کشور حاکم شده و مردم علاقه دارند فرزندانشان تحصیلات عالیه داشته باشند، بخش مهمی از درآمد خانوار، در حوزه آموزش عالی هزینه می‌شود و این یکی از فشارهای کمرشکن روی خانواده‌هاست». این فعال کارگری با اشاره به اینکه فقط هزینه ۱۶ درصد دانشجویان با دولت و بقیه روی دوش خانوار است، افزود: «نکته دیگری که باید خاطرنشان کرد، باز در حوزه سلامت و طرح تحول سلامت است. با وجود اینکه در حوزه بستری، طرح تحول سلامت هزینه‌ها را ۱۰ درصد کاهش داده است، اما به علت بالا رفتن تعرفه‌های نسبی خدمات و با توجه به اینکه بیش از ۷۰ درصد مراجعه‌کنندگان به مراکز کلینیکی و پاراکلینیکی به صورت سرپایی درمان می‌شوند، از این بابت نیز هزینه‌های افراد کهنسال در حوزه بهداشت و درمان بسیار رشد کرده است. براساس این رویکرد، این طبقه به طور ناخواسته در این تله فقر گرفتار شده‌اند. بنابراین، وقتی با کهنسالان و بازنشستگان دستفروش برخورد می‌شود، علاوه بر اینکه ظلم مضاعفی به این طبقه است، در واقع برخورد با معلول است نه علت. اگر قرار است کهنسالان و بازنشستگان در آسایش و آرامش باشند، در درجه اول، این وظیفه دولت‌هاست که شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی را بهبود ببخشند و بتوانند یک حقوق آبرومند که عزت و کرامت انسانی بازنشستگان را به آنها بازگرداند، به آنها پرداخت کنند.» یعقوب راننده آژانسی است که در یکی از شهرک‌های تهران کار می‌کند، او ۶۲ ساله و بازنشسته ایران خودرو است. یعقوب، کارگر ساده‌ای در این شرکت خودروسازی بوده و حقوق ماهانه‌اش یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است. او دو سال است بازنشسته شده و می‌گوید: «من قبل از بازنشستگی هم، شب‌ها روی ماشین کار می‌کردم و حالا صبح‌ها هم اضافه شده. سه فرزند دارم، هر سه دانشجوی دانشگاه آزاد هستند. یکی در مقطع کارشناسی ارشد و دو نفرشان هم در مقطع کارشناسی؛ تقریبا سالی ۱۲ میلیون هزینه تحصیل آنهاست. پسرم در آستانه ازدواج است و ما مستأجریم و ماهی یک میلیون تومان اجاره می‌دهیم. آن وقت توقع داری من در بازنشستگی با آب‌پاش به گل‌ها آب بدهم؟»

سن مورد نیاز برای احراز بازنشستگی در مقررات فعلی تأمین اجتماعی، موارد متفاوتی را دربر می‌گیرد. برای مثال در مشاغل سخت و زیان‌آور و قانون بازنشستگی جانبازان، با ۲۰ سال سابقه، شرط سنی لحاظ نمی‌شود و فقط داشتن سنوات مندرج در قانون برای بازنشستگی کفایت می‌کند. همچنین خانم‌های مشغول به کار در کارگاه‌های مشمول قانون کار، با ۴۲ سال سن و ۲۰ سال سابقه می‌توانند با ۲۰ روز حقوق بازنشسته شوند. بازنشستگی با ۵۰ سال سن و ۳۰ سال سابقه برای آقایان و ۴۵ سال سن و ۳۰ سال سابقه برای خانم‌ها نیز، یکی دیگر از اشکال بازنشستگی است که مشمولان این بند، با ۳۰ روز حقوق بازنشسته می‌شوند. در مورد دیگر، آقایان با ۶۰ سال سن و ۱۰ سال سابقه و خانم‌ها با ۵۵ سال سن و ۲۰ سال سابقه با ۲۰ روز حقوق می‌توانند درخواست بازنشستگی کنند.

اما با یک نگاه گذرا در سطح شهر، می‌بینیم که زنان و مردانی که وقت بازنشستگی‌شان رسیده است، هنوز رسماً بازنشسته نشده‌اند، آنها هنوز می‌دوند و تلاش می‌کنند، چون نقطه آرامششان بسیار دور است و برای رسیدن به آن و بازنشسته شدن باید بیشتر کار کنند.

مهم‌ترین مؤلفه قدرت ایران

KHAMENEI.IR

قدرت یک ملت در چیست و یک ملت چگونه می‌تواند قدرتمند باشد؟ بسیاری از ملت‌ها، رهبران دولت‌ها و نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، در پی پاسخ به این پرسش‌اند. چرا که پاسخ به این پرسش، می‌تواند هر ملتی را به امنیت پایدار، اعمال حق حاکمیت و استقلال که مهم‌ترین لوازم پیشرفت هر ملتی است، رهنمون کند. ملت‌های ضعیف، همواره در ناامنی، بدون حق اعمال حاکمیت و در وابستگی و در نتیجه همه این‌ها، در عقب‌افتادگی و عقب‌نگه‌داشتگی به سر می‌برند.

گوهر امنیت در صدف قدرتمندی یک ملت شکل می‌گیرد. اگر ملتی قدرتمند نباشد، در تلاطم اراده‌های کشورهای مستکبر دچار چالش می‌شود و از بین می‌رود. هریک از مکاتب در پاسخ به این پرسش بنیادین که یک ملت چگونه می‌تواند قدرتمند باشد، مجموعه‌ای از شاخص‌ها را مطرح کرده‌اند. در نظریات جدید، جمعیت، وسعت سرزمینی، دولت و حاکمیت را مهم‌ترین عناصر شکل‌گیری قدرت یک ملت معرفی می‌کنند. ملتی که جمعیت بیشتر، قلمرو بزرگ‌تر، دولت توانمندتر با حاکمیت ملی منسجم‌تر داشته باشد، از این منظر قدرتمندتر است. برخی دیگر از صاحبنظران معتقدند معیار نهایی قدرت ملی، توانمندی نظامی است، زیرا کشورها در محیطی به سر می‌برند که در آن امنیت آن‌ها مورد تهدیدهای داخلی و خارجی فراوان و همیشگی قرار دارد. از این رو مؤثر بودن سلاح‌های قهریه آن‌ها، مقیاس نهایی قدرت کشورها به‌شمار می‌رود. در کنار توانمندی نظامی، برخی نیز ریشه‌های قدرت ملی را در توانایی کشورها، برای مسلط شدن بر بخش‌های مهم اقتصاد جهانی می‌دانند، ولی توانمندی نظامی همچنان مهم‌ترین تجلی قدرت باقی مانده است. در کنار این موارد مهم، با بررسی صورت گرفته بر ۲۸ نظریه و الگوی مشخص کننده قدرت ملی، سه عامل، بالاترین درصد فراوانی را داشته‌اند: الف) جمعیت، ویژگی‌های کمّی و کیفی آن، ب) کیفیت رهبری، مدیریت، کیفیت حکومت و ج) وجود منابع طبیعی، مواد خام و معادن.

جمهوری اسلامی ایران همواره سعی کرده است شاخص‌های متعارف قدرت خود را ارتقا بخشد. تأکید بر افزایش جمعیت و در کنار آن، توجه به آموزش و پرورش، برای توانمندسازی جمعیت و همچنین تنظیم اسناد بالادستی برای نیل به اهداف انقلاب اسلامی و بهبود ساختار حکومت و توانمندسازی قدرت نظامی، همه‌وهمه در جهت افزایش قدرت ملت ایران بوده است تا بتواند در امنیت پایدار، راه پیشرفتی که خود تنظیم کرده است، بپیماید. اما نکته‌ای که جمهوری اسلامی ایران را نسبت به دیگر دولت‌ها و ساختارهای سیاسی متمایز می‌کند، این است که قدرت در جمهوری اسلامی ایران، «مردم‌بنیان» است. به این معنا که اگرچه عوامل یادشده در بالا به‌عنوان عوامل قدرت جمهوری اسلامی نیز محسوب می‌شوند اما مهم‌ترین داشته جمهوری اسلامی، برای قدرتمند بودن، در میان همه مؤلفه‌هایی که گفته شد، «مردم» است. وقتی میشل فوکو انقلاب اسلامی ایران را از نزدیک در خیابان‌های تهران مشاهده می‌کرد، متوجه این امر شده بود که قدرت این انقلاب شکوهمند را مجموعه عوامل تشکیل‌دهنده قدرت سخت، شکل نداده است، بلکه این انقلاب براساس «قدرت نرم» خود، که باور مردم و نفوذ کلام رهبر آن است، شکل گرفته است. «ایران، روح یک جهان بی‌روح» حاصل همین فهم فوکو از انقلاب اسلامی است.

از سویی دیگر، در مقاطعی از تاریخ جمهوری اسلامی ایران، به‌دلیل وقوع انقلاب، ارتش توانمند و منسجم، منابع مالی لازم، اقتصاد پویا، سازمان سیاسی منسجم و یکپارچه و حمایت بین‌المللی وجود نداشت، اما جمهوری اسلامی ایران همواره قدرتمند ظاهر شده، پیروزی را از آن خود کرده و امنیت پایدار را برای پیشرفت ایران به ارمغان آورده است. آنچه جمهوری اسلامی را در این مقاطع به موفقیت رساند، قدرت نرم و بسیج کنندگی انقلاب اسلامی و حضور مردم در صحنه بود. حضور مردم در مقاطع حساس، مهم‌ترین عنصر قدرت جمهوری اسلامی است. قیام مسلحانه نیروهای ضدانقلاب در تهران، آمل، کردستان و ترکمن صحرا و همچنین، جنگ تحمیلی هشت‌ساله رژیم بعث صدام، فتنه تیر ۱۳۷۸ و فتنه سیاه ۱۳۸۸ از جمله مقاطع تاریخی بودند که عنصر اصلی قدرت جمهوری اسلامی، یعنی «حضور مردم در صحنه»، آن را به سوی موفقیت راهبری کرده است. با همین منطق است که مراسم روز استقلال ملت ایران، متمایز از مراسم‌های استقلال ملی در دیگر کشورهاست. دیگر کشورها در روز ملی خود، مهم‌ترین عنصر قدرتمندی خود، یعنی نیروهای نظامی و توانمندی‌های آنان را به نمایش می‌گذارند، اما در جمهوری اسلامی، با توجه به اینکه بنیان قدرت مردمی است، آنچه پیش چشم جهانیان به‌عنوان مهم‌ترین عنصر قدرت ایران جلوه می‌کند، «حضور مردم در صحنه» است. در ایران، هرگاه مردم در صحنه بوده‌اند، جمهوری اسلامی قدرتمند بوده و امنیت و استقلال برای پیشرفت حاصل شده است. با توجه به آنچه گفته شد، باید توجه داشت که مهم‌ترین صحنه حضور مردم در کشور، «انتخابات» است. با توجه به مردم‌بنیان بودن قدرت جمهوری اسلامی، اگر بخواهیم توصیه قرآن به قدرتمند شدن «وَأَعِدّوا لَهُم مَا استَطَعتُم مِن قُوَّةٍ» را مصداق‌یابی کنیم، از جمله مصادیق آن، حضور بصیرانه مردم در صحنه انتخابات است؛ چرا که این حضور، قدرت نرم جمهوری اسلامی را افزایش می‌دهد.

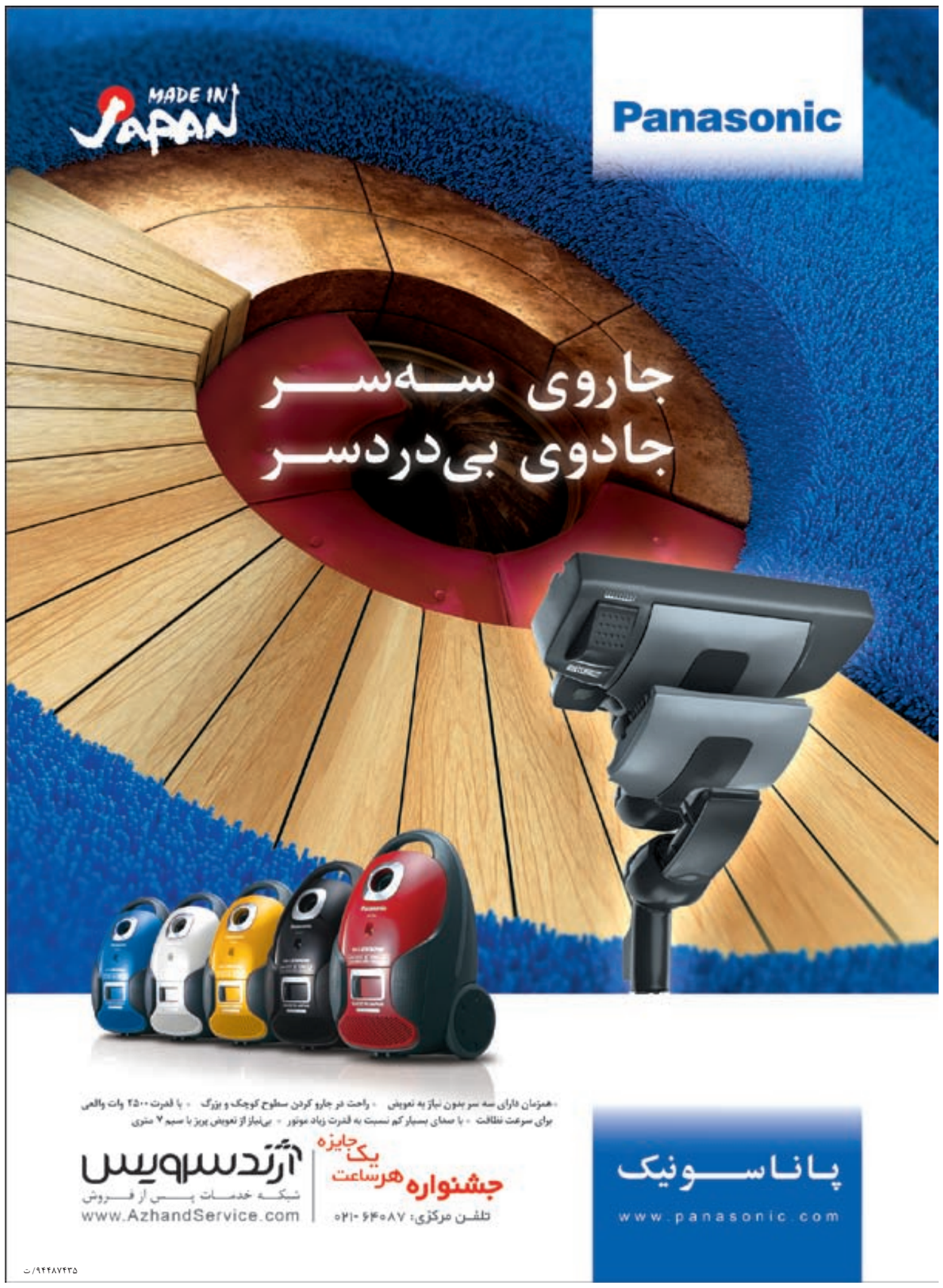

آگهی فراخوان شناسایی پیمانکاران حمل (ریلی- جاده ای)

نوع فراخوان: ارزیابی کیفی (براساس اسناد ارزیابی)
دستگاه مناقصه گزار: سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (مجتمع سنگ آهن سنگان)
موضوع فراخوان: حمل ریلی / جاده ای ۱/۰۰۰/۰۰۰ تن سنگ آهن دانه بندی و ۳۰۰/۰۰۰ تن کنسانتره سنگ آهن از مجتمع سنگ آهن سنگان به اسکله شهید رجایی / بارکو بندرعباس
موقعیت جغرافیایی: معادن سنگ آهن سنگان در ۲۸۰ کیلومتری جنوب شرقی مشهد و ۴۰ کیلومتری شهرستان خواف در استان خراسان رضوی واقع می باشد.
نحوه دریافت اسناد ارزیابی: کلیه اشخاص حقوقی می توانند جهت دریافت اسناد مناقصه با داشتن معرفی نامه معتبر و فیش واریزی به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۱۰۹۰۹۶۷۰۹۰۰۹ بانک ملی شعبه کوهسنگی مشهد به آدرس مندرج ذیل مراجعه نمایند.
تاریخ خرید اسناد: از تاریخ ۹۴/۱۲/۱۰ لغایت ۹۴/۱۲/۲۰ (باستثنای ایام تعطیل) از ساعت ۸ الی ۱۶:۰۰
مهلت تحویل اسناد: روز پنجشنبه مورخ ۹۵/۰۱/۱۹ تا پایان وقت اداری.
سایر موارد: ۱- برای متقاضیانی که حد نصاب ارزیابی کیفی ذکر شده در اسناد ارزیابی را کسب نموده اند طی دعوت نامه کتبی اسناد مناقصه ارسال خواهد شد. شرکت در فراخوان ارزیابی کیفی هیچگونه حقی را جهت شرکت کنندگان ایجاد نمی نماید.
۲- خریداران باید فتوکپی مصدق اسناد و مدارک مورد نیاز را داخل پاکت قرار دهند.
۳- ارائه گواهی صلاحیت انجام کار از دستگاههای ذیربط.
۴- به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مهلت مقرر اعلام شده واصل شود مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.
آدرس مناقصه گزار: مشهد- خیابان کوهسنگی، بین کوهسنگی ۱۹ و ۲۱ شماره ۳۷۷ تلفن: ۰۵۱-۳۸۴۴۹۹۲۵ فاکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۴۰۵۱ تهران- خیابان سهروردی شمالی- خیابان هویزه شرقی- شماره ۳۳ تلفن: ۰۲۱-۸۱۴۹۲۱۶۰ فاکس: ۰۲۱-۸۸۷۶۰۴۷۸ یا به سایت www.sioc.ir مراجعه فرمایید.

مجتمع سنگ آهن سنگان

آ/۹۴۴۹۳۳۳۷

فراخوان مناقصه عمومی نوبت اول

دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی شهرستان تربت جام در نظر دارد اجرای عملیات (سفت کاری ابنیه توسعه بخش اورژانس بیمارستان سجادیه) شهرستان تربت جام را به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید . بدین منظور از شرکت های دارای ظرفیت آزاد و تجربه کارهای مشابه دعوت به عمل می آید از تاریخ انتشار آگهی لغایت ۹۴/۱۲/۱۶ جهت تهیه اسناد مناقصه به اداره امور پشتیبانی دانشکده به آدرس تربت جام خیابان شهید بهشتی – ستاد مرکزی دانشکده علوم پزشکی تربت جام مراجعه و تا تاریخ ۹۴/۱۲/۲۰ اسناد مربوطه را تحویل نمایند .

سایر شرایط :

۱- کارفرما و دستگاه مناقصه گذار :دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی شهرستان تربت جام ۲- دستگاه نظارت و مشاور طرح :مشاور فنی دانشکده ۳- زیر بنا (مفید و غیر مفید) ۱۰۰۰ مترمربع ۴- مدت اجرای کار ۵ ماه ۵- حداقل رتبه شرکت های واجد شرایط ۵ ابنیه می باشد .۶- مدارک لازم برای تهیه اسناد مناقصه :گواهی صلاحیت پیمانکاری ودرخواست کتبی دریافت اسناد مناقصه ۷-دستگاه مناقصه گذار در رد یا قبول هر کدام یا کلیه پیشنهادها مختار می باشد ۸- هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد .۹- تضمین شرکت در مناقصه فوق واریز نقدی مبلغ ۳۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب سپرده دانشکده علوم پزشکی تربت جام و یا معادل آن به شکل ضمانت نامه معتبر بانکی می باشد .۱۰- کلیه پیشنهادات رسیده حداکثر ۷ روز پس از پایان مهلت ارسال مدارک در محل دفتر سرپرست دانشکده بازگشایی و قرائت خواهد گردید .

۹۴۴۹۴۵۵۶/ش

روابط عمومی دانشکده علوم پزشکی تربت جام